



عارفی که برای تأمین معاش «نماز استیجاری» می‌خواند+تصاویر

تواضع و فروتنی ملکه وجود آیت‌الله نجابت بود، مکاشفاتی که برایش رخ می‌داد را با عنوان «یکی از دوستان» بیان می‌کرد. آن بزرگوار سال‌ها در مدرسه‌ای که خودشان در شیراز بنا کرد از بالاترین تا پایین‌ترین سطح را درس می‌داد.

تواضع و فروتنی ملکه وجود آیت‌الله نجابت بود، مکاشفاتی که برایش رخ می‌داد را با عنوان «یکی از دوستان» بیان می‌کرد. آن بزرگوار سال‌ها در مدرسه‌ای که خودشان در شیراز بنا کرد از بالاترین تا پایین‌ترین سطح را درس می‌داد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه **خبرگزاری فارس**، آیت‌الله شیخ حسنعلی نجابت شیرازی، مجذوب واصل و عارف کامل، شاگرد برجسته محضر عرفانی حضرت آیت‌الله سیدعلی قاضی طباطبایی تبریزی و آیت‌الله شیخ محمد جواد انصاری همدانی، در سال 1296 شمسی در شیراز به دنیا آمدند. تحصیلات ابتدایی را به طریق متعارف در شیراز گذراند و پس از آن به فراگیری دروس حوزوی پرداخت و با اتمام مقدمات، در سن 15 سالگی برای ادامه تحصیل عازم عتبات شد. در نجف اشرف پس از گذراندن سطح، در مراتب عالی، معقول را نزد مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی محمد بروجردی و فقه و اصول را نزد آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، سید عبدالهادی شیرازی و سید ابوالقاسم خویی گذراند. در 28 سالگی به درجه اجتهاد نائل آمد. عمده اجازات ایشان از استاد فوق‌الذکر بود. آیت‌الله نجابت از هوش و استعدادی سرشار برخوردار بود به طوریکه در سنین جوانی به درجه اجتهاد نائل شد. طبعی بسیار لطیف و شاعرانه داشت، اشعار مرحوم سید محمدحسین غروی اصفهانی را می‌پسندید و بیشتر اشعارش را به سبک وی می‌سرود. عطش معنوی که همواره در وجودش بود او را به محضر آیت‌الله سیدعلی قاضی کشاند. وقتی استاد از او پرسید: فرزند چه کسی هستی؟ پاسخ داد: فرزند شما، مرحوم قاضی دوباره پرسید و ایشان باز هم همان جواب را داد. آیت‌الله قاضی خیلی خوشش آمد و آیت‌الله نجابت از آن پس تا پایان عمر استاد خدمتش را کمر بست. به علت فضای نامساعد حوزه نجف، شهریه او را که در جلسات مرحوم قاضی شرکت می‌کرد قطع کردند، لذا بسیار در مضیقه به سر می‌برد و برای امرار معاش همواره مشغول نمازهای استیجاری بود. پس از رحلت آن عارف بی‌بدیل به محضر آیت‌الله انصاری همدانی رسید و در ردیف مبرزترین شاگردان ایشان درآمد. مرحوم انصاری درباره آیت‌الله نجابت می‌فرمود: حساب شیخ حسنعلی از تمام کسانی که اینجا می‌آیند جداست، اگر دریایی از معارف الهی را به حاج شیخ حسنعلی بدهند، سیر نمی‌شود. مرحوم آیت‌الله نجابت پس از بازگشت از نجف به شیراز، علاوه بر فعالیت‌های حوزوی و پرورش شاگردان در دو بعد علمی و معنوی، همراه با شهید دستغیب علیه نظام طاغوتی پهلوی دست به مبارزه زدند. همزمان با فوت آیت‌الله بروجردی و شروع نهضت امام خمینی (ره) در سال 1340، با دل و جان در خدمت نهضت ایشان قرار گرفتند و با این اعتقاد که عشق به امام خمینی عشق به امام زمان (ع) و عشق به خداست، به ترویج و تبلیغ مرجعیت و رهبری امام خمینی «ره» همت کرده و دست پنهان مبارزات روحانیت شیراز قبل از انقلاب، و ملجأ و مرجع نیروهای حزب الله بعد از انقلاب بودند. مرحوم آیت الله نجابت علاوه بر فعالیت‌های علمی و سیاسی، خدمات مهمی را در جهت احیای اسلام ناب محمدی (ص) در شهر شیراز انجام داد که مهمترین آنها تأسیس حوزه عملیه معنوی بزرگ و پر برکتی است که به نام فرزند شهید ایشان، که در جبهه آبادان به لقاء الله پیوست، «حوزه علمیه شهید محمد حسین نجابت» نام گرفته و فضلی زیادی را در بعد علمی و معنوی و در خط امام پرورانه و شهدای بسیاری را نیز تقدیم انقلاب کرده است. وی در این حوزه علاوه بر تدریس ادبیات، منطق، فلسفه، کلام، تفسیر، فقه و اصول در سطوح عالی، در دو بعد عرفان نظری و عملی به تربیت شاگردان همت کرد. از وی آثار منتشره و غیر منتشره زیادی به جا مانده است که کتب «بصائر یا قرآن و اهل بیت» کلمه طیب، توحید، کلمه عشق، حدیث سرو، شرح دعای رجبیه، ولایت شرعیه مطلقه فقیه، شرح زیارت شعبانیه، و دهها اثر مکتوب و صدها درس مضبوط دیگر از آن جمله است. اما با این همه علی‌رغم اینکه توان و درجات علمی وی زبانزد خاص و عام بود، نه تنها به دنبال ریاست دنیوی نرفت بلکه همه علوم اعم از منقول و معقول و مأنوسه و غریبه را جز به چشم مقدمه ننگریست و عمر پر برکتش را جز در راه توحید سپری نساخت و به غیر از ورود در سز ربوبی و لقای دوست به چیزی نیندیشید و استقامت و پایدردیش در عشق ربوبی باعث شد که جذبات حق نه تنها تجرد از ماده بلکه تجرد از صورت را نیز ملکه ایشان شود. یکی از شاگردان آیت‌الله نجابت می‌گوید: مرحوم نجابت برای محبت قیمت و ارزش فوق‌العاده‌ای قائل بود و در دوستی کم نظیر بود به نحوی که به تمام معنی در این راه پاک باخته بود. در مراسم اطعام و سوگواری امام حسین (ع) خود ایشان غذا طبع می‌کرد و این را برای خودش شرف می‌دانست. تواضع و فروتنی ملکه وجود شریفش بود، مکاشفاتی را که برایش رخ می‌داد با عنوان «یکی از دوستان» بیان می‌کرد. آن بزرگوار سال‌ها در مدرسه‌ای که خود در شیراز بنا نهاده بود به تدریس پرداخت و از پایین‌ترین سطح تا سطوح عالی را درس می‌داد و ابداً برایش تفاوتی نداشت که در کدام یک به تدریس بپردازد. * **سخنانی از آیت‌الله نجابت** خداوند سبحان می‌فرماید که شما هر احسانی که به هر کسی کردید، باقی می‌ماند و هر خبری که از شما صادر شد، نزد خداوند باقی می‌ماند اگر می‌خواهی که تقرب خداوند بجویی، باید کاری انجام دهی و این قطعی است هر کس که بخواد در راه خدا کار کند باید آنچه در دستش است در راه خدا اتفاق کند. اگر پدرها، مادرها و فرزندان و مال التجاره شما محبوب‌تر از خداوند و انبیا و جهاد در راه خدا، نزد شما باشد، منتظر عذاب الهی باشد. بهترین راه رسیدن به مطلوب، تبعیت محض از حضرت پیامبر اکرم (ص) و دوازده نور پاک و بی‌بی دو عالم فاطمه زهرا (س) است.

اگر آدم برای دوست حقیقی جان بدهد، والله قسم چه ارزشی دارد جان؟

چه خوب است انسان اگر قرار است بمیرد، عارفانه و عاشقانه بمیرد. * **آیت‌الله نجابت از زبان بزرگان** آیت‌الله انصاری همدانی می‌گویند: ظرف استعداد شیخ حسنعلی بسیار فراتر از دیگران است، چون دریایی است که هر چه در او بریزی پُر نمی‌شود. شیخ حسنعلی اگر بخواهد، می‌تواند عالمی را از نور خویش روشن کند.

آیت الله سید عبدالکریم کشمیری می‌گویند: اگر می‌توانستم (از نظر جسمی) به آیت‌الله نجابت خدمت می‌کردم. حضرت آیت الله نجابت همانند بسیاری از بزرگان به وقت رحلت‌شان علم داشتند و نیز به دوستان و اطرافیان الطاف و توجه بیشتری می‌کردند. نقل شده است که چهار روز قبل از رحلت ایشان یکی از نزدیکان به ایشان مراجعه می‌کند و می‌گوید: آقا دیشب شما را در خواب کنار آقای قاضی دیدم و مرحوم قاضی در حالی که جوان شده بود به شما می‌گفت: «اگر می‌خواهی بیایی، بیا» صاحب روایت گوید: ایشان پس از استماع این خواب فرموده بودند: چهار شب دیگر تعبیرش را به تو می‌گویم. شب چهارم بود که خبر آوردند ایشان رحلت کرده‌اند. * **خاطرات و کرامات** از شیخ اسدالله طیاره نقل شده است: آیت‌الله نجابت ارادت عجیبی به سادات داشت. زمانی که استاد در قم تشریف داشت، با هم در منزلی زندگی می‌کردیم. استاد در طبقه همکف و بنده و عیال که از سادات بود در طبقه بالا زندگی می‌کردیم و محل رفت و آمد ما از کنار اتاق استاد بود. آقای نجابت هر وقت که متوجه می‌شد عیال در حال بیرون رفتن از ساختمان یا ورود به خانه است، به احترام ایشان که از سادات بود، می‌ایستاد تا کاملاً مطمئن شود که خانم بنده از آن محل گذر کرده است. حجت‌الاسلام احمد احمدی نقل می‌کنند که روزی به همراه چند تن از دوستان به قصد شرفیابی خدمت استاد نجابت عازم شیراز شدیم. بعد از رسیدن خدمت استاد و ساکن شدن‌مان در آنجا، پیش خود قرار گذاشتیم که خدمت آقای ذوالنور که از همان آقایان اهل دل بود برسیم و بنا داشتیم که در مورد ملاقات‌مان سخنی به استاد نگوئیم.

با همین قصد، خدمت آقای ذوالنور رسیدیم و چند ساعتی خدمت ایشان بودیم، تا اینکه لحظات خداحافظی فرا رسید. ایشان با کنایه به ما فهماندند که دیگر همدیگر را ملاقات نخواهیم کرد و در پایان فرمود که وعده ما در کوچه پس‌کوچه‌های بهشت! بعد از دیدار، دیگر موفق به زیارت آقای ذوالنور نشدیم و هر بار که قصد تشریف خدمتشان را داشتیم مانعی پیش می‌آمد و نمی‌توانستیم زیارتشان کنیم تا اینکه دارفانی را وداع گفت و گفته ایشان در مورد عدم ملاقات ما با او به حقیقت پیوست.

بعد از اینکه از خدمت آقای ذوالنور مرخص شدیم، وقتی خدمت آقای نجابت رسیدیم، ایشان با تبسمی فرمود: خوب آقای ذوالنور را هم که ملاقات کردید! البته نیت ما از بیان نکردن قصد ملاقات‌مان با

آقای ذوالنور از این باب بود که خدای ناکرده به استاد اسائه ادب نشود. نقل کرده‌اند که آیت الله نجابت را به محلی دعوت کردند. صاحب خانه می‌گوید وقتی سفره نهار را پهن کردیم، آقای نجابت را دیدم که به خوراک خیره خیره نگاه می‌کنند، پرسیدم آقا اگر این غذا را دوست ندارید چیز دیگری تهیه کنیم؟ فرمودند: خیر! در آشپز این خوراک حیرانم! موضوع را نفهمیدم، دوباره فرمودند: کسی که این غذا را پخته حال عجیبی داشته است!

عرض کردم: آقا این را مادرم پخته است! آمدم و از مرحوم والده جویای حال شدم، ایشان گفت از اولی که شروع به پختن غذا کردم، خداوند حالی کرامت فرمود که تا آخر پختن، مدام گریه می‌کردم! سرانجام ایشان در بهمن 1368 در شب شهادت امام علی النقی(ع) به لقاء الله پیوست. وی در بقعه سید میر محمد ابن موسی الکاظم در کنار مزار سید عبدالحسین دستغیب در شیراز دفن شده است. ***منابع:** کتاب «خدا محوری» قاسم کاکایی- کتاب «افلاکیان خاک نشین» از هیئت تحریریه موسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشموس